

بانکداری محدود

دکتر پرویز داوودی*

محمد جواد محقق**

چکیده

مشکلات شدید بانکداری تجاری، اندیشمندان این بخش را به فکر آرایه‌ی الگوهای دیگری برای عملیات سیستم بانکی انداخته است. در این میان، بانکداری محدود با سابقه‌ی تئوریک طولانی و در عین حال، بدون تجربه‌ی اجرایی، ذهن‌های بسیاری را مشغول کرده است. در بانکداری محدود، رابطه‌ی سپرده‌های جاری با تأمین مالی وام‌های بانکی قطع می‌شود و نرخ ذخیره‌ی قانونی سپرده‌های جاری صد در صد خواهد بود. در چنین فرضی، بانک‌های محدود به سپرده‌پذیری و سیستم پرداخت مبادرت خواهند ورزید و از وام‌دهی منع می‌شوند و واسطه‌های مالی غیر بانکی تسهیلات خواهند داد و تحت مقررات اوراق بهادار شرکت‌ها عمل خواهند کرد. این الگوی بسیار شناخته‌شده در ادبیات اقتصاد پولی در ادبیات اقتصادی مجامع علمی کشور ما چندان شناخته‌شده نیست. در این مقاله تاریخچه‌ای از مباحث طرح‌شده در این باره به علاوه‌ی اظهار نظر موافقان و مخالفان این ایده می‌آید و بر اساس آن، ارزیابی نهایی صورت می‌گیرد. این نوع از بانکداری می‌تواند در برخی موارد، همخوانی بیشتری با اصول مورد نظر اسلام در بانکداری داشته باشد. معرفی کامل و مطلوب این الگو می‌تواند به طراحی هرچه بهتر الگوهای جدید بانکداری اسلامی کمک مؤثر و شایانی کند.

واژه‌های کلیدی: بانکداری محدود، تفکیک سپرده‌پذیری از وام‌دهی، نرخ ذخیره‌ی قانونی

صد در صد، خلق پول، اعتبار و وام‌دهی

طبقه‌بندی JEL : G21

* استاد دانشگاه شهید بهشتی

Email: mgmohagh@yahoo.com

** دانشجوی دوره‌ی دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت: ۸۷/۷/۱۰ تاریخ تأیید: ۸۷/۱۰/۲۵

مقدمه

تاریخ بانکداری، به مفهوم وسیع آن، اگر به قرن‌ها پیش از میلاد نیز مسیح بازگردد (گلریز و ماجدی، ۱۳۸۶، ص ۲۵)، همواره با بی‌ثباتی و ورشکستگی بانکدارانی همراه بوده است که با استفاده از اعتماد عمومی و دسترسی رایگان یا ارزان به منابع، اقدام به وام‌دهی و فراتر از آن خلق پول کرده‌اند و با استفاده از حق آقایی که به طور ذاتی، در پول نهفته است، بر نظام پولی و بانکی و کل اقتصاد حاکمیت داشته‌اند.

اهمیت بانک‌ها را می‌توان از منظر تأثیر بسیار آنها بر عرضه‌ی پول نیز بررسی کرد (میشکین، ۱۳۸۴، ص ۱۲). در نظام پول اعتباری، خلق پول بانک‌ها تأثیری چند برابر بر عرضه‌ی پول دارد. بی‌شک در موقعیتی که بانک‌ها مجاز به وام‌دهی تمام پول سپرده‌گذاری شده در بانک خود باشند و نیاز به نگهداری نقد در صندوق ناچیز باشد، قدرت خلق پول بانک‌ها به سمت بی‌نهایت میل می‌کند؛^۱ از سوی دیگر تصور کنید که تمام بنگاه‌ها و خانوارها، سپرده‌ی خود را در یک بانک نگهداری کنند، بدون در نظر گرفتن تورم و ریسک، این بانک می‌تواند هر میزان سپرده‌ای که آرزو دارد، ایجاد کند؛ این امر به بانک‌ها این توانایی را می‌دهد که در موقعیت هزینه‌ی صفر، پول خلق کنند و هیچ‌گونه ریسک نقدینگی تحمل نکنند.

با نظام‌مند شدن بانکداری و تأسیس بانک‌های مرکزی^۲، در اغلب کشورها، تعیین نرخ ذخیره‌ی قانونی از سوی بانک‌های مرکزی یکی از راه‌های مهم کنترل نقدینگی شناخته شده است. شاید این تعبیر کاتینگ که رونی فیلیپس، در مقاله‌ی خود، از وی نقل می‌کند، نشان عمق منافع بانک‌ها از خلق پول باشد: «بانکداران با اعتباراتی که به جامعه می‌دهند، از جامعه باج می‌گیرند» (فیلیپس، ۱۹۹۲، ص ۳۷) یا این تعبیر که وام‌دهی و خلق پول، در واقع، مثل انتشار اسکناس جعلی است؛ تنها تفاوت در این است که منافع، در هر یک از دو حالت، نصیب چه کسی می‌شود (فیلیپس، ۱۹۹۲، ص ۲).

۱. اگر یک ریال پول پر قدرت وارد سیستم بانکی شود و ذخیره‌ی قانونی، نقد در صندوق، پول خارج از سیستم بانکی (در دست مردم) صفر یا نزدیک صفر باشد، مقدار خلق پول برابر خواهد بود با $1/0$ ؛ یعنی یک تقسیم بر صفر که به نهایت میل می‌کند؛ این یعنی قدرت خلق پول بانک‌ها می‌تواند به سمت بی‌نهایت رود.

۲. تأسیس اولین بانک‌های مرکزی، در انگلستان یا سوئد، به قرن هفدهم میلادی بر می‌گردد. سید عباس موسویان.

از سوی دیگر، وام‌دهی و خلق پول به وسیله‌ی بانک‌ها، به پرورش یک چرخه‌ی انفجاری و در نهایت، افزایش نرخ ورشکستگی بانک‌ها منجر می‌شود (اسپونگ، ۱۹۹۳، ص ۲)؛ به علاوه، بهره‌مندی رایگان از سپرده‌ی مشتریان بانک، در عمل، به ریسک‌پذیری بیشتر بانک‌ها و بحران‌های بانکی منجر می‌شود؛ ریسک‌های ناخواسته‌ای همچون ریسک سرمایه‌گذاری، ریسک فعالیت بانکی و بحران‌هایی همچون بحران بانک‌های کشورهای اسکاندیناوی، در اوایل دهه‌ی ۹۰ و بحران بانکی، در امریکا، در خلال دهه‌ی ۹۰ (شی و استین بک، ۲۰۰۰، ص ۱).

ورشکستگی گسترده‌ی بانک‌ها، در مقاطع مختلف و نیاز به کنترل شدیدتر عرضه‌ی پول از سوی دولت‌ها و کاهش قدرت بانک در خلق پول و ایجاد نقدینگی، به ارایه‌ی مدل‌های مختلف اصلاحات بانکی منجر شده است. در این میان، ایده‌ی بانکداری محدود برای حل مشکلات سیستم بانکی، به طور متناوب، در میان طرفداران اصلاحات بانکی مطرح و بازسازی شده است. در این الگو، با اعمال نرخ ذخیره‌ی قانونی صد در صد، خلق پول وام‌دهی، به طور کامل متفی خواهد شد (بوسنه، ۲۰۰۲، ص ۱).

تاریخچه‌ی بانکداری محدود

بسیاری از الگوهای علمی ارایه‌شده در سیاست‌گذاری مالی، برای حل گره کور میان سپرده‌پذیری و وام‌دهی تجاری (معمولاً سپرده‌ها کوتاه‌مدت و وام‌ها و تسهیلات بلندمدت هستند). طراحی شده‌اند.^۱ این اقدامات با ارایه‌ی الگوی بانکداری محدود تکمیل شده‌اند.

بانک محدود، مختص سپرده‌پذیری و سیستم پرداخت‌هاست و از وام‌دهی منع شده است و نوع بسیار امن پول را به مردم عرضه می‌کند؛ چرا که در این بانک، سپرده‌های بانکی مترادف پول خواهد بود.^۲ در این حالت، واسطه‌های مالی غیر بانکی می‌توانند تحت مقررات بازار اوراق بهادار شرکت‌ها عمل کنند؛^۳ در این صورت، نظم بازار، کارایی بیشتری در وام دادن به پروژه‌های سرمایه‌گذاری به وجود خواهد آورد (بوسنه، ۲۰۰۲، ص ۸).

1. p.3.

2. p.3.

3. p.8.

الگوی بانکداری محدود، هیچ گاه مجال نیافته در عمل، تجربه و آزمایش شود؛ در واقع، شجاعت اجرا کردن آن، تا کنون، در هیچ دولتی دیده نشده است و شاید هم منافع سرشار بانکداران اجازهی چنین امری نداده است؛ با این حال، دست کم، سه جایزه‌ی نوبل گرفته است.^۱

پیشینه‌ی بانکداری محدود هم‌زمان با ایده‌ی نرخ ذخیره قانونی صد در صد که برخی اقتصاددانان ارایه کرده بودند، است. شاید بتوان این اقدام صرافان را در برخی مستعمرات امریکایی، در قرن نوزدهم و فعالیت‌های بانکداری ملی دولت آمریکا را در سال‌های ۱۸۶۳ و ۱۸۶۴ که سیستم پرداخت‌های خود را با اوراق دولتی پشتیبانی می‌کردند، اولین جرقه‌های بانکداری محدود دانست.^۲ برخی پیشینه‌ی بانکداری محدود را تصمیم سر روبرت پیل در بازگشت بانک انگلستان به نظام ذخیره‌ی صد در صد، در سال ۱۸۴۴ و تقسیم بانک انگلستان به بخش وام‌دهی و بخش انتشار پول می‌دانند. پس از آن، بدون آنکه نامی از بانکداری محدود برده شود، الگوهای جدید بدان تمایل داشتند.^۳

اولین و در عین حال، جامع‌ترین مطالعه در مورد ساختار و پیامدهای نرخ ذخیره‌ی صد در صد، مقاله‌ی «پول ۱۰۰٪» اروینگ فیشر، در سال ۱۹۳۵ بود که سعی داشت نشان دهد که چگونه چنین رژیم‌ی موجب می‌شود سپرده‌های بانک‌ها، به طور کامل نقدشونده باشند و از بی‌ثباتی ادوار تجاری جلوگیری می‌کند.^۴

در سال‌های بعد، برخی از اقتصاددانان دانشگاه شیکاگو مانند فرانک نایت و آلیس که طراح برنامه‌ی معروف به «برنامه‌ی شیکاگو» بودند و پس از آن، اروینگ فیشر و هنری سیمونز دوباره، پیشنهاد ذخیره‌ی صد در صد را مطرح کردند (فیلیپس، ۱۹۹۲، ص ۲). به نظر ایشان، در این حالت، ذخایر پولی و پول پر قدرت یکی می‌شدند و بی‌ثباتی در عرضه‌ی پول از بین می‌رفت (بوسنه، ۲۰۰۲، ص ۳)؛ هر چند کنگره‌ی آمریکا این برنامه را رد کرد.^۵

موریس آلیس نیز که به شدت، از نرخ ذخیره‌ی جزئی انتقاد می‌کرد، در سال ۱۹۴۸ به ایده‌ی نرخ ذخیره‌ی صد در صد توجه کرد. میلتن فریدمن در سال ۱۹۵۹، به طور

1. p.1.

2. p.2.

3. p.2.

4. p.2.

5. Shuji Kobayakawa & Hisashi Nakamura. A Theoretical Analysis of Narrow Banking Proposals, University of Chicago, Monetary And Economic Studies, May 2000, p.4.

عمیق‌تر، این ایده را راهی برای جلوگیری از بی‌ثباتی عرضه‌ی پول مطرح کرد (بوسنه، ۲۰۰۲). وی بانک‌های تجاری را به دو مؤسسه‌ی جدا تقسیم می‌کرد؛ از یک سو، یک مؤسسه‌ی سپرده با ذخیره‌ی قانونی صد در صد و از سوی دیگر، یک تراست اعتباری که سرمایه‌ی لازم را با فروش سهام یا اوراق قرضه به دست می‌آورد و از آن برای وام‌دهی و سرمایه‌گذاری استفاده می‌کند و حق دخالت در خلق پول و نیازی به هیچ گونه کنترل و نظارت ندارد.

بانکداری محدود نوین

الگوهای جدید بانکداری محدود، در آمریکا، در دهه‌ی ۱۹۸۰ مطرح شد؛ هنگامی که بحران‌های مالی، ارزیابی مجدد محدوده‌ی نظام نظارتی بانکی را ضروری نشان می‌داد. در ابتدا، برخی از دانشمندان مشهور از بانکداری با ذخایر صد در صد حمایت کردند؛ به گونه‌ای که حتی بانک جهانی، در سال ۲۰۰۱، در واکنش به بحران در برخی کشورها استفاده از بانکداری محدود را پیشنهاد کرد. تفاوت این الگوها از لحاظ محدودیت‌هایی بود که بر سبب دارایی‌های بانک قرار می‌داد.^۱ برخی الگوها بانک‌ها را موظف می‌سازند حساب‌های معاملاتی خود را با اوراق کوتاه‌مدت خزانة پشتیبانی کنند (توین، ۱۹۸۵؛ کاریکن، ۱۹۸۶؛ اسپونگ، ۱۹۹۱؛ میشکین، ۱۹۹۹؛ توماس، ۲۰۰۰) و برخی بانک‌ها را ملزم می‌سازند سپرده‌های خود را صرفاً، در اوراق دولتی با ارزش بالا یا اوراق دولتی تضمین‌شده با سررسیدهای متفاوت سرمایه‌گذاری کنند (لایتن، ۱۹۸۷؛ هرینگ و لایتن، ۱۹۹۵). برخی به بانک اجازه می‌دهند که از سپرده‌های تضمین‌شده برای اعطای وام‌های کوتاه‌مدت به متقاضیان از ابزار امن‌شده شامل اوراق منتشره‌ی شرکت‌های خدمات مالی استفاده کند (پیرس، ۱۹۹۱).^۲ برخی معتقدند محدوده‌ی دارایی‌های تضمین‌شده باید به گونه‌ای وسیع شود که شامل سبب متنوعی از بدهی‌های کوتاه‌مدت و با ارزش بالا گردد (مرتون و بودئی، ۱۹۹۳؛ اسپونگ، ۱۹۹۳).^۳ برخی، از انواع محدودتر بانکداری محدود حمایت می‌کنند و بدهی‌های بازاری‌ای را که اغلب، در سبب دارایی‌های بانک نگهداری می‌شود، کافی می‌دانند (کاراکن، ۱۸۹۶؛ میشکین، ۱۹۹۹).^۴

1. p.4.
3. p.14.

2. p.3.
4. p.3 & 10.

پترز و تاکور (۱۹۹۵) با بررسی بانکداری محدود، از نظر کارآیی اطلاعاتی پیشنهاد کردند بانکها بر اساس وظایفشان تفکیک شوند.^۱ کارینه (۱۹۹۵) در مقاله‌ای، با مطالعه‌ی شرایطی که در آن دو نوع واسطه وجود دارند، نشان می‌دهد که در بانکداری محدود تعادل بهینه به دست می‌آید؛ چرا که انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ریسک‌دار کاهش می‌یابد.^۲

قلمرو و تعریف بانک محدود

بانک محدود همان طور نوعی سیستم کوچک‌تر یا محدودتر بانکداری است که برخی از ویژگی‌های سیستم سنتی را حفظ می‌کند و برخی را به دلیل افزایش کارآیی مورد تصور خود کنار می‌گذارد. در حال حاضر، سپرده‌پذیری و وام‌دهی دو ویژگی اصلی بانک‌ها تلقی می‌شوند؛ به گونه‌ای که نوع سپرده‌ها و خدماتی که بانک‌ها ارائه می‌کنند، در کنار شکل قرارداد تسهیلاتی که به مشتریان خود پیشنهاد می‌کنند، می‌توانند به معرفی الگویی متمایز از سایر الگوها منجر شوند. در بانکداری محدود، ارتباط میان دو وظیفه‌ی بانک‌ها قطع می‌شود.

ویلیام میلز (۲۰۰۱، ص ۳)،^۳ استاد دپارتمان اقتصاد دانشگاه ویچی تای امریکا، بانکداری محدود را یکی از برجسته‌ترین پیشنهادات برای تغییر ساختار صنعت بانکداری می‌داند که تأمین مالی وام‌ها از طریق استقراض بلندمدت‌تر به جای استفاده از سپرده‌ها را شامل می‌شود. در این سیستم، دو مجموعه‌ی متفاوت وظایف بانک‌ها را انجام می‌دهند.

رونی فیلیپس (۱۹۹۲، ص ۲ و ۱۳) در مقاله‌ی خود در نشست سالانه‌ی انجمن اقتصاددانان شرقی، بانک محدود را چنین تعریف کرد: «این دیدگاه که ذخیره‌ی جزئی، مساوی با انتشار اسکناس است، موجب شده است که پیشنهاد تفکیک سپرده‌پذیری از وام‌دهی در بانک‌ها مطرح شود؛ در این حالت، نوع دوم مؤسسات، با فروش سهام وظیفه‌ی وام‌دهی بانک‌های موجود را به عهده می‌گیرند».

میشکین (بوسنه، ۲۰۰۲، ص ۱۰)، با وجود پذیرش ایده‌ی تفکیک سپرده‌پذیری از وام‌دهی پیشنهاد می‌کند که بانک‌ها مجاز باشند هم سپرده‌های تضمین‌شده با امنیت بالا

1. p.4.

2. p.4.

3. William Miles. Can Narrow Banking Provide a Substitute for Depository Intermediaries?, Department of Economics Wichita State University Wichita, KS 67260-0078, 2001, p.3.

و هم سپرده‌های تضمین‌نشده را که برای تأمین مالی وام‌دهی به بخش خصوصی به کار می‌رود، بپذیرند.

کارینه (۱۹۹۵، ص ۴) تعریف دیگری از بانک محدود ارائه می‌کند. به نظر وی، به واسطه‌هایی که حساب‌های جاری تضمین‌شده ارائه می‌کنند، بانک محدود اطلاق می‌شود. توماس^۱ سه مشخصه را برای الگوی بانک محدود برمی‌شمارد: تأسیس شرکت‌های مالی که سپرده‌های نقد مشتریان (حقیقی و حقوقی) را دریافت و آنها را به طور کامل، در اوراق بی‌خطر و مطمئن سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ کنار گذاشتن بانک‌ها و شکل‌گیری مؤسسات مالی غیر بانکی که می‌توانند وام بدهند، اما نمی‌توانند پول سپرده‌ای خلق کنند؛ حمایت نکردن دولت از مؤسسات مالی غیر بانکی.

کنت اسپونگ (۱۹۹۳، ص ۱۸) معتقد است که بانک محدود، بانکی است با حساب سپرده‌ای که به طور کامل با اوراق بازاری دارای ریسک بی‌نهایت کم، یا پول رایج و دارایی‌های معادل آن پشتیبانی می‌شود. این ویژگی، سپرده‌های بانک‌های محدود را در ردیف پول نقد قرار می‌دهد. در این وضعیت درآمد بانک از بهره‌ی اوراق و کارمزدی خدمات نقل و انتقالات است. به دلیل نیاز بسیار کم آنها به سرمایه، بانک‌های محدود با هزینه‌ی پایینی کار می‌کنند و از این رو، همچنان این امکان را دارند که به سهام خود عایدی قابل رقابت پرداخت کنند. وی بر این باور است که هر دو وظیفه می‌توانند به صورت متمایز، در یک مؤسسه‌ی مالی یا همان بانک انجام شوند.

ارزیابی ایده‌ی بانکداری محدود (آیا بانکداری محدود می‌تواند اجرا شود؟)

همان طور که اشاره شد، بانکداری محدود به دنبال افزایش کارایی سیستم بانکی با حذف یا تفکیک آن دسته وظایف بانک‌های سنتی است که به سلامت و روانی خدمات و عملیات بانکی آسیب می‌زند. مرور اظهارات موافقان و مخالفان بانکداری محدود می‌تواند در ارزیابی نهایی این ایده مؤثر باشد.

نکات مثبت بانکداری محدود

آنچه در ادامه می‌آید، اقتباس از مقالات بایاگو بوسنه، کنت اسپونگ، از شی و رونی استین بک است.

1. p.4.

راهی برای خروج از بحران‌های بانکی (بوسنه، ۲۰۰۲، ص ۳)

کارشناسان خبره‌ی مالی و دانشگاهی از این ایده، در دوره‌های متمادی حمایت کرده‌اند و دست کم، سه جایزه‌ی نوبل گرفته است. در بسیاری از کشورهای صنعتی، مورد توجه سیاست و به صورت شگفت‌آوری، برخی بانکداران برجسته قرار گرفته است. در سال‌های اخیر، مشاوران سیاسی، در مؤسسات بین‌المللی و دولت‌ها، آن را راه خروج از مشکلات بانک‌ها دانسته‌اند و نهایتاً اینکه بانک جهانی این ایده را به کشورهایی که از نظر پولی و بانکی دچار بحران شده‌اند، توصیه کرده است.

حل مشکلات سیستم بانکداری سنتی

در چارچوب بانکداری محدود، مشکلاتی که در بانکداری سنتی و ذخیره‌ی جزئی وجود دارد، بسیار کاهش می‌باید. سیستم ذخیره‌ی جزئی موجب خلق گسترده پول به نفع سیستم بانکی و تحمیل مشکلات تورمی آن به برخی از اجزای جامعه، سرایت مشکلات وام‌گیرندگان به بانک‌ها و در برخی موارد به سپرده‌گذاران، بروز بحران‌های بانکی و ایجاد شوک‌های شدید پولی، سواری مجانی، انتخاب بد و خطر اخلاقی، هزینه کردن از وجوه مالیات‌دهندگان جهت بیمه کردن سپرده‌های بانکی، ناهمگونی اساسی و ضرورت برقراری مقررات احتیاطی، تحمیل هزینه‌های زیاد مالی، غیر نقد بودن سیستم و ریسک‌دار بودن و غیر شفاف شدن می‌شود.^۱

بوسنه معتقد است که بانکداری محدود به قوانین احتیاطی و ایجاد شبکه‌ی امن و بیمه‌ی سپرده‌ها با هزینه‌های زیاد نیازی ندارد. در بانکداری محدود، احتمال ورشکستگی بانک‌ها نیز کمتر می‌شود.^۲

اسپونگ معتقد است بانکداری محدود، مشکل بنیادی سیستم بانکداری سنتی را رفع می‌کند. بانکداری محدود، با ملزم کردن بانک‌ها به تطبیق سپرده‌ها با دارایی‌های نقد و بدون ریسک، ساختار بی‌ثبات بانکداری سنتی را که در تأمین دارایی‌های نقد ایمن ناکام است، تصحیح می‌کند؛ در نتیجه، سپرده‌گذاران، بانک محدود را امن خواهند دانست و در این صورت، نه نیازی به سیستم پیچیده‌ی حمایتی دولت خواهد بود و نه بیمه‌ی سپرده‌ها ضرورت خواهد داشت (اسپونگ، ۱۹۹۳، ص ۲۸).

1. p.7.

2. p.8.

افزایش بازدهی سیستم پولی^۱

تفکیک مؤسسات بر اساس وظایف موجب می‌شود قدرت اقتصادی تعداد محدودی از سازمان‌های اقتصادی متمرکز نگردد و هر وظیفه را به طور خاص، بخشی انجام دهد که می‌تواند بهترین خدمت را با بهترین قیمت ارائه کند؛ در این حالت بازار، رفتارهای غلط مؤسسات خصوصی را مجازات می‌کند و مؤسسات مالی غیر بانکی، بسیار بیشتر از بانک‌ها فعال خواهند بود.

افزایش و تقویت کنترل سیستم پولی

در بانکداری محدود نیاز کمتری به قوانین خاص و نظارت بر بانک‌ها بوده، احتمال ورشکستگی بانک‌ها بسیار کم و همچنین احتمال سرایت شوک‌های بزرگ‌تر به کل سیستم مالی کمتر است؛ در عین حال، توانایی مقامات پولی برای کنترل اقتصاد به دلیل اعمال نرخ صد در صد افزایش می‌یابد.^۲

سیستم بانکداری سنتی، مبتنی بر این نظریه‌ی اشتباه است که دولت باید در سیاست‌گذاری اموری همچون حمایت از حساب‌های جاری و سیستم پرداخت‌ها تا موضوعات کم اهمیت‌تر همچون مدیریت بانک و سیاست‌های داخلی و تصمیمات وام‌دهی آن نظارت و دخالت کند. این روند مشکلاتی برای سیستم مالی به وجود می‌آورد و آن را از مسیر عادی خود خارج می‌کند. اسپونگ معتقد است که در بانکداری محدود نیاز به مداخله‌ی دولت، تا حد بسیاری کاهش می‌یابد. در این سیستم، وام‌دهی و سایر فعالیت‌های ریسک‌پذیر، به مؤسساتی منتقل می‌شود که رفتارشان تأثیری بر امنیت سپرده‌گذاران نمی‌گذارد؛ در این صورت، نظم بازار، به هدایت بهینه‌ی وجوه کمک می‌کند و از دسترسی سایرین به وجوه جلوگیری خواهد شد.^۳

افزایش رقابت و کارایی سیستم پولی و بانکی^۴

در بانکداری محدود، از یک سو، رقابت بیشتری میان مؤسسات مالی به وجود می‌آید و از سوی دیگر، با خروج بانک‌های تجاری، از بازار بلندمدت اعتبارات و فعالیت سایر

1. p.24.

2. p.30.

3. p.16.

4. p.22.

مؤسسات مالی غیر بانکی، محدوده‌ی وسیع‌تری از فرصت‌ها، امکانات و فعالیت‌ها در مقایسه با بانکداری سنتی در اقتصاد به وجود می‌آید.

در این سیستم علاوه بر اینکه تمایزی میان سپرده‌گذاران مطلع و بی‌اطلاع و ضعیف و قوی در دسترسی به سپرده‌های بانکی و دریافت وام نیست، سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران در انتخاب سرمایه‌های با ریسک‌ها و بازدهی‌های متفاوت و بدون استفاده از یارانه، آزادی عمل بیشتری دارند؛ این امر موجب می‌شود خطر اخلاقی کاهش یابد.

افزایش رفاه در بانکداری محدود (شی و استین بک، ۲۰۰۰، ص ۲۴)

تحمیل ریسک به حساب‌های سپرده، رفاه کمتری به وجود خواهد آورد؛ اما با اجرای بانکداری محدود و گسترش سریع بازارهای اوراق بهادار، فرصت‌های بیشتر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری فراهم می‌شود.

در اقتصادهای توسعه یافته، تقریباً طیف وسیعی از بازارهای سرمایه‌گذاری نقدی خارج از بانک وجود دارد؛ از این رو، هیچ منفعت اجتماعی‌ای در اینکه بانک‌ها سپرده‌ها را با ریسک همراه کنند، وجود ندارد. با وجود وجوه سرمایه‌گذاری خارج از بانک که انواع دلخواه و ممکن سرمایه‌گذاری را با هزینه‌ای مشابه آنچه در بانک‌ها وجود دارد، به مشتریان عرضه می‌کند، رفاه مشتریان در چارچوب بانکداری محدود بیشتر تأمین می‌شود؛ ضمن آنکه در بانکداری محدود، خطر اخلاقی تا اندازه بسیاری برطرف می‌شود؛ به علاوه، ابزارهای سرمایه‌گذاری تنوع بیشتری می‌یابند.

دلایل مخالفان ایده‌ی بانکداری محدود

ایده‌ی بانک محدود، ایده‌ای جدید محسوب می‌شود که می‌تواند ارکان سیستم بانکداری سنتی را تا حد بسیاری دچار چالش کرده، روند موجود را به کلی تغییر دهد. بدیهی است این امر می‌تواند حساسیت‌هایی را همراه داشته باشد؛ هرچند باید اذعان داشت برخی نگرانی‌ها در این زمینه کاملاً منطقی است و باید به دقت بررسی شده، تا حد امکان برطرف شود.

این بخش نیز از مقالات بایاگو بوسنه، کنت اسپونگ، رونی استین بک و آژ شی، رونی جی فیلیپس و ویلیام میلز اقتباس شده است. در این مقالات ابعاد نظری منفی و پیامدهای اجرایی عملی بانکداری محدود ارائه شده است.

مشکلات نظری ایده‌ی بانکداری محدود

توقف خلق پول و کمیابی و گرانی اعتبارات

بانک‌ها در نظام سنتی، عامل خلق نقدینگی و تضمین‌کننده در برابر شوک‌های نقدینگی شناخته می‌شوند. بانک‌ها با تولید نقدینگی، به افرادی که آینده را به حال ترجیح می‌دهند، کمک می‌کنند تا نیازهایشان را برآورده سازند. بانک‌ها همچنین دارایی‌های غیر نقد را به سپرده‌های نقد تبدیل می‌کنند؛ چرا که با محاسبه‌ی میانگین برداشت از انبوه حساب‌های سپرده می‌توانند به ثبات برسند. بانک‌ها به دارندگان صبور پول این امکان را می‌دهند که به گونه‌ای پول خود را سرمایه‌گذاری کنند که بدون واسطه‌گری بانک‌ها ممکن نیست؛ اما بانکداری محدود این حلقه‌ی ارتباطی و از این رو، منافع اجتماعی بانکداری را از بین می‌برد؛ در نتیجه، اعتبار و وام در اقتصاد بسیار کمیاب و پرهزینه می‌شود.

جلوگیری از گسترش بخش مالی غیر بانکی

این یک واقعیت است که پیشرفت اقتصادی و گسترش شبه‌پول‌های غیر بانکی و تأمین مالی تولیدات، از طریق مؤسسات مالی غیر بانکی، به طور فزاینده‌ای موجب شده تجار و تولیدکنندگان کوچک از بانک‌ها جدا شوند؛ با این حال، مقبولیت عمومی محصولات مؤسسات غیر بانکی، به دلیل امکان مبادله و انتقال وجوه میان حساب‌های بانکی، مدیون امکان تبدیل این محصولات به سپرده‌های بانکی است. لازمه‌ی این پیش فرض، وجود بانک‌ها و آمادگی آنها برای عرضه‌ی سپرده‌ها برای تأمین مالی مجدد این محصولات، هنگام ضرورت است. بانکداری محدود، برخلاف اظهارات طرفدارانش، مانع گسترش بخش مالی غیر بانکی می‌شود.

حذف نقش بانک‌ها به عنوان تأمین‌کننده‌ی بهینه‌ی نقدینگی

بدون قراردادهای خاص، افراد بی‌اطلاع، به دلیل وحشت از استثمار شدن به وسیله‌ی افراد مطلع‌تر، تمایلی به تأمین اعتبار ندارند؛ سپرده‌گذاران، وجوه خود را به بانک قرض نمی‌دهند و بانک‌ها وجوه خود را به شرکت‌ها وام نمی‌دهند. سپرده‌های دیداری، ابزار ویژه‌ی اقتصادی نیرومندی برای مقابله با استثمار بانک‌ها هستند و میزان منابعی را که بانک در اختیار وام‌گیرندگان برای سرمایه‌گذاری‌های غیر نقد بگذارد، گسترش می‌دهند.

سرمایه‌گذاران بی‌اطلاع انواع دیگر قرض را مانند سپرده‌های جاری به صورت گسترده نپذیرفته، موجب می‌شوند وجوه لازم برای سرمایه‌گذاری و افزایش هزینه‌ها کاهش یابند؛ برای مثال سهام در وضعیت عدم تقارن اطلاعات، بسیار پرهزینه‌تر از قرض است؛ چرا که دارندگان بی‌اطلاع سهام، تمایلی به انتشار سهام جدید برای تأمین سرمایه‌ی لازم برای سرمایه‌گذاری‌های جدید ندارند و انتشار سهام جدید را موجب کاهش ارزش سهام‌ها می‌دانند؛ از سوی دیگر، تلاش‌های فردی برای جمع‌آوری اطلاعات و نظارت بر وام‌گیرندگان بسیار پرهزینه بوده، موجب سواری مجانی سایرین بر تلاش‌های افراد می‌شوند.

کارایی ارایه‌ی هم‌زمان سپرده‌پذیری و وام‌دهی

اگر یک مؤسسه وام و خدمات سپرده‌پذیری ارایه دهد، بسیار کارآتر است. سپرده‌ها همچون قرض هنگام مطالبه نقد می‌شوند. از آنجا که تعهد به پرداخت سپرده‌ها، هنگام مطالبه، نیازمند داشتن صندوق مطمئن و اوراق با امنیت بالاست، بانک‌ها می‌توانند ایجاد چنین صندوقی را با ترکیب این دو خدمت، اقتصادی کنند؛ بنا بر این بانک‌ها می‌توانند در مقایسه با واسطه‌هایی که چنین خدماتی را جداگانه ارایه می‌دهند، موجودی کمتری نگه دارند و خدمات نقدینگی را به مشتریان خود با قیمت‌های پایین‌تری در مقایسه با سایر واسطه‌ها ارایه دهند.

طرفداران بانکداری محدود می‌دانند که به احتمال بسیار قوی، این امر اتفاقی نیست که یک مؤسسه این دو وظیفه را انجام دهد. بانک‌ها در دنیای اطلاعات ناقص وظیفه دارند. این اطلاعات را جمع‌آوری کنند و به نمایندگی از دارندگان وجوه، بر وام‌گیرندگان نظارت کنند.

کاهش ثبات سیستم پولی و مالی

واقعیت این است که هزینه‌ی بسیار تهیه‌ی وجوه در بانکداری محدود موجب می‌شود که عرضه‌ی وام با ثبات کمتری در مقایسه با بانک‌هایی که سپرده‌های آنها بیمه شده است، برقرار شود.

حذف یارانه‌ی بیمه‌ی سپرده‌ی بانک‌ها می‌تواند خط شروع بانک‌ها و مؤسسات مالی غیر بانکی را در رقابت برای وام‌دهی عادلانه‌تر سازد؛ اما چنان که می‌توان پیش‌بینی کرد، ممکن است عرضه‌ی وام در اقتصاد ثبات کمتری داشته باشد.

پیامدهای احتمالی بانکداری محدود (مشکلات اجرایی بانکداری محدود)

فارغ از ملاحظات نظری یادشده، مباحث کاربردی مهم‌تری وجود دارند که به بررسی آثار بانکداری محدود بر تأمین مالی و اقتصاد واقعی می‌پردازند. نادیده گرفتن این مشکلات می‌تواند بیش از هر امر دیگری به ناکامی و حتی مرگ پیش از تولد ایده‌ی بانکداری محدود بینجامد.

کمبود عرضه‌ی دارایی‌های با کیفیت بالا

الگوهای بانکداری محدود باید پاسخ دهند که اگر بانک‌های محدود صرفاً، مجبور باشند سپرده‌های خود را به اوراق دولتی تبدیل کنند، آیا در اقتصاد اوراق واجد شرایط برای تضمین حساب‌های جاری به اندازه‌ی کافی وجود دارند؟ مهم‌تر آنکه پیوند زدن تأمین خدمات مالی به مدیریت بدهی عمومی و واگذاری آن به دولت، شاید سیاست خوبی نباشد. پیوند زدن مدیریت بدهی عمومی به اهداف سیستم پولی و سیستم پرداخت‌ها نیز چندان معقول به نظر نمی‌رسد. دست کم، محدوده‌ی مجاز خرید دارایی‌های بانکداری محدود باید، گسترده‌تر شده، اوراق بخش خصوصی را نیز شامل شود؛ این امر، ارزش اعتبارات بانک‌های محدود را بالا می‌برد و هزینه‌ی آن، نظارت بر دارایی‌های متنوع‌تر است.

بانک‌های محدود و ایمنی شبکه‌ی خدمات بانکی

برای آنکه بانک‌های محدود بتوانند بدون بیمه‌ی سپرده‌ها که در بانک داری سنتی امری ضروری است، کار کنند، باید مردم به طور آشکار، بر آنها نظارت کنند تا از لحاظ مالی قابل دوام باشند و به طور کامل ایمن بمانند؛ حتی با وجود مقرراتی که بانک‌های محدود را ملزم به نگهداری صرفاً اوراق دولتی کوتاه‌مدت می‌کند، ایمنی کامل به وجود نمی‌آید.

نوسانات قیمت بازاری اوراق دولتی و ریسک غیر قابل اغماض ناشی از حاکمیت می‌توانند این احساس را تقویت کنند که امنیت کامل نیست. از آنجا که دسترسی به تنها قرض‌دهنده (دولت) و قایل شدن نقش انحصاری برای دولت‌ها در این زمینه، در بسیاری از کشورها مصلحت نیست، پیشنهاد جایگزین، تبدیل منابع حاصل از

سپرده‌های دیداری به ارزشهای خارجی و اوراق قرضه مطمئن خارجی است؛ هر چند این موضوع نیز ریسک تبدیل ارز خارجی را وارد تحلیل می‌کند. نکته‌ی مهم دیگر آن است که برای عملیاتی شدن بانکداری محدود، ایجاد بازارهای توسعه‌یافته و دارای ظرفیت کافی ثانویه، یک شرط اساسی است؛ اما همه‌ی ماجرا نیست. بانک‌های محدود احتمالاً، در فرایند فروش کلان ذخایر خود، ضرر سرمایه‌ی بزرگی متحمل می‌شوند؛ حتی اگر این بانک‌ها بتواند در یک بازار خوب توسعه‌یافته و دارای ظرفیت کافی ثانویه، وثیقه‌های خود را بفروشند. بانک‌های محدود نیز همچون بانک‌های سنتی، قادر به مواجهه با تقاضاهای ناگهانی برداشت از حساب نیستند؛ مگر آنکه سرمایه‌ی اضافی به اندازه‌ی کافی نگه دارند.

هزینه‌ی اجرایی تفکیک

این نگرانی وجود دارد که تجزیه‌ی بانک‌های پرسابقه که به طور هم‌زمان، چندین کار را انجام می‌دهند به مؤسسات تخصصی جداگانه چه هزینه‌ای خواهد داشت؟ آیا ساختارهای قدیمی باید منحل و ساختارهای جدیدی طراحی شوند یا اینکه ساختارهای قدیمی باید حفظ و دوباره طراحی شوند؟

برای کاهش هزینه‌های جایگزینی برخی پیشنهاد می‌کنند مؤسساتی که خواهان ارایه‌ی خدمات سپرده‌گذاری هستند، در مقابل سپرده‌های دیداری خود، ملزم به ذخیره‌ی صد در صد در قالب نگهداری اوراق دولتی باشند. با وجود جذابیت این راه حل در نگاه اول باید اثبات شود که این راه حل قادر به ایجاد سیستم امن میان فعالیت‌های پولی و مالی غیر پولی است؛ بدین منظور ضروری است که دارایی‌های بانک‌های محدود در فعالیت‌هایی مصرف نشود که مشکل نقدینگی یا عدم وصول دارند.

در واقع، نکته‌ی اصلی این است که آیا این تفکیک حساب‌های بانکی می‌تواند به رسیدن به هدف کمک کند؟ اگر چنین است، تحمیل هزینه‌های سنگین بازسازی کامل به سیستم پولی و در سطح کلان به کل اقتصاد جامعه نمی‌تواند توجیه‌پذیر باشد؛ در غیر این صورت، باید ایده‌ی تفکیک را به صورت عمیق‌تر و واقعی‌تری اجرا کرد تا اهداف مورد نظر از آن محقق گردد؛ بدین منظور تفکیک مؤسسات خدمات بانکی از مؤسسات وام‌دهی و تأمین مالی ضروری است.

کاهش درآمد بانک‌ها و غیر اقتصادی شدن بانکداری

دلیل جذابیت بانکداری محدود چیست؟ بر اساس تجربه‌ی صندوق‌های تعاونی، در بازار پولی، برخی (اسپونگ، ۱۹۹۳، ص ۲۳) اظهار می‌دارند که به دلیل آنکه بانک‌های محدود از بیشتر قوانین محدودکننده معاف هستند، می‌توانند به سپرده‌گذاران خود بازدهی قابل رقابت با سایر سرمایه‌گذاری‌های دارای ریسک پایین ارائه کنند. بانک‌های محدود می‌توانند از دارایی‌های خود درآمد بهره‌ای کسب کنند و از کارمزدی که از ارائه‌ی خدمات دیداری دریافت می‌کنند، درآمد غیر بهره‌ای داشته باشند؛ همچنین به دلیل آنکه نیازهای سرمایه‌ای این بانک‌ها حد اقل است، بانک‌های محدود می‌توانند با هزینه‌ی کم به فعالیت خود ادامه دهند. در مقابل، برخی دیگر^۱ به محدودیت‌های بانک‌های محدود در سرمایه‌گذاری که منجر می‌شود حجم و درآمد بانک کم شود، اشاره می‌کنند؛ شواهد تجربی، در برخی کشورها، این موضوع را تأیید می‌کند.^۲

نکته‌ی دیگر آنکه در اقتصادهایی که بازار اوراق دولتی درجه‌ی بالایی فراریت دارد، باید، بازدهی سبد دارایی بانک محدود با بازدهی بانک‌های سستی - که سبد دارایی‌شان متنوع است و بسیار خوب مدیریت می‌شود - قابل رقابت باشد؛ در غیر این صورت، بانک محدود هرگز نمی‌تواند در عرصه‌ی سنگین رقابت در بخش پولی و بانکی دوام یابد و به سرعت حذف خواهد شد.

دسترسی بخش خصوصی به اعتبارات

در سیستم بانکداری محدود، اعتبارات به اندازه‌ی کافی، در اختیار بخش خصوصی، به ویژه، قرض‌گیرندگان کوچک‌تر قرار نمی‌گیرند و به طور نسبی، برای کمیاب و گران‌تر می‌شوند؛ چرا که در این صورت، شرکت‌های مالی بدون بیمه‌ی سپرده، بیشتر انگیزه دارند تا در شرکت‌های بزرگ‌تر که تأمین مالی آنها هزینه‌ی نظارت کمتری دارد، و به دلیل حمایت دولت‌ها از آنها، به دلیل نقش آنها در اقتصاد، اطمینان بیشتری برای بازگشت اصل سرمایه وجود دارد، سرمایه‌گذاری کنند.

1. Bert Ely. "The Narrow Bank: A Flawed Response to the Failings of Federal Deposit Insurance", Regulation 14 (Spring 1991), pp.44-52.

2. Bert Ely. "The Narrow Bank: A Flawed Response to the Failings of Federal Deposit Insurance", Regulation 14 (Spring 1991), pp.44-52.

از سوی دیگر، با افزایش وجوه غیر سپرده‌ای، وام‌دهی بانک‌های کوچک‌تر در مقایسه با بانک‌های بزرگ دچار مشکل می‌شود؛ چرا که افزایش منابع غیر سپرده‌ای موجب می‌شود نرخ بهره افزایش یابد و در این حالت، وام‌دهی بانک‌های کوچک در مقایسه با بانک‌های بزرگ کاهش بیشتری پیدا می‌کند.

ارزیابی نهایی بانکداری محدود

بانکداری محدود، در واقع، ایده‌ی تفکیک خدمات بانکی از وام‌دهی است. تفاوت ساختاری در سازمان‌دهی بانک‌ها در سیستم سنتی بانکداری این سؤال را ایجاد می‌کند که آیا منطقی برای ارایه‌ی هم‌زمان دو خدمت در یک مؤسسه‌ی مالی وجود دارد؟ در واقع، سؤال اصلی این است که آیا برای اینکه به یک مؤسسه‌ی مالی «بانک» اطلاق شود، ترکیب سپرده‌ی جاری و وام‌دهی ضروری است؟ پاسخ می‌تواند به نوبه‌ی خود، تا حدی، در ارزیابی نهایی این ایده به ما کمک کند.

کارهای آکادمیک انجام‌شده تا زمان حاضر، به این سؤال نپرداخته‌اند؛ برای مثال دایموند (۱۹۸۴) بانک را نهادی تلقی می‌کند که وام‌گیرندگان بالقوه خوب را از بد متمایز می‌کند؛ به طور مشابه آلوکی، پاتریک و شیرد (۱۹۹۴) تأکید می‌کنند که نقش اصلی بانک، نظارت بر وام‌گیرندگان است تا از اشتباه دیگران سواری مجانی نگیرند. با این حال، ایشان طرف بدهی تراز بانک‌ها را داده‌شده فرض می‌کنند؛ این به این معنی است که روش تأمین منابع وام‌دهی خصوصیت ندارد؛ در این صورت سؤال اصلی این است که آیا منطقی در پس اینکه برخی مؤسسات مشابه هم سپرده‌پذیری و هم وام‌دهی می‌کنند وجود دارد؟^۱ از سوی دیگر این انتظار هست که نیاز به نقدینگی با برداشت از سپرده‌ها که حق قطعی سپرده‌گذاران حساب‌های جاری است، ارتباط متقابل داشته باشد؛ این یعنی ارتباط نداشتن وام‌دهی با سپرده‌های دیداری موجب می‌شود بانک‌ها ثبات بیشتری داشته باشند؛ چرا که توانایی بیشتری در پاسخگویی به درخواست برداشت از حساب‌های جاری خواهند داشت.

اما باید توجه داشت که نگهداری دارایی‌های نقد، هزینه‌ی فرصت بسیاری به بانک‌ها تحمیل می‌کند؛ به علاوه، به دلیل بی‌استفاده ماندن مانده‌ی حساب‌های جاری،

1. Shuji Kobayakawa and Hisashi Nakamura. A Theoretical Analysis of Narrow Banking Proposals, University of Chicago, Monetary And Economic Studies, May 2000, p.3.

برخی مدیران این انگیزه را به دست می‌آورند که رفتار سوداگرانه و فرصت‌طلبانه را تجربه کنند و در نتیجه، هزینه‌ی بنگاه احتمالاً بیشتر می‌شود. در چنین وضعیتی، چون نیاز به نقدینگی، به طور هم‌زمان به وجود نمی‌آید، بانک‌ها می‌توانند از دارایی‌های نقد خود کارآتر استفاده کنند؛ به همین دلیل می‌توان گفت که منطق کارآیی می‌تواند توجیه‌کننده‌ی این باشد که بانک‌ها هر دو خدمت را با هم عرضه کنند. نکته‌ی دیگر این است که سپرده‌پذیری توأم با وام‌دهی می‌تواند برخی هزینه‌های سربالایی را پوشش دهد.^۱ این امر بیانگر این است که الگوهای بانکداری مدعی‌ارایه‌ی هر دو فعالیت در یک مؤسسه حمایت می‌شود. در واقع اگر قرار است بانک‌ها سپرده‌پذیر باشند، منطقی است که وام‌دهی نیز داشته باشند. نکته‌ی دیگر این است که تفکیک سپرده‌پذیری از وام‌دهی می‌تواند به افزایش سود تسهیلات بانکی در بخش سرمایه‌گذاری منجر شود؛ چرا که تفکیک موجب خواهد شد منابع ارزان قیمت از تأمین مالی تسهیلات سرمایه‌گذاری خارج شده، این منابع گران شوند.

در پاسخ برخی معتقدند که در تعریف بانک‌ها، هیچ‌گاه، به توأم بودن این دو وظیفه اشاره نشده است؛ پس التزامی به این موضوع نیست؛ از سوی دیگر، برای جلوگیری از به وجود آمدن مشکل اخلاقی برای بانک‌ها بهتر است سپرده‌پذیری و وام‌دهی در مؤسسات جداگانه هم تفکیک شود؛ از این رو، از الگوهای بانکداری محدود طرفدار تفکیک حمایت می‌شود.^۲ همچنین تفکیک این دو خدمت می‌تواند به رشد مؤسسات وام‌دهنده و رقابت و کارآیی بیشتر میان آنها و افزایش رفاه وام‌گیرندگان منجر گردد؛ در این صورت بانکداری محدود توجیه‌پذیر است.

اجرای الگوی بانکداری محدود لزوماً، به افزایش سود تسهیلات سرمایه‌گذاری منجر نخواهد شد و یا ترکیب سپرده‌پذیری و وام‌دهی، کاهش سود تسهیلات بانکی را در پی نخواهد داشت. بانک‌ها و مؤسسات مالی، به طور طبیعی، سودی که از تسهیلات‌گیرندگان دریافت می‌کنند، بیش از سودی است که به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کنند؛ این یعنی بانک‌ها سود حاصل از به کارگیری سپرده‌ها در وام‌دهی را خود می‌برند. تفکیک منابع صرفاً، سود بانک‌ها را کاهش می‌دهد و لزوماً، به افزایش سود تسهیلات منجر نخواهد شد.

1. p.5.

2. p.7.

در پایان این بحث، از برآیند تمامی آنچه له یا علیه بانکداری محدود گفته شد، می‌توان این گونه نتیجه گرفت کرد که بانکداری محدود، ایده‌ای برای اصلاح سیستم بانکداری سنتی و بهبود عملیات بانکی در هر دو طیف خدمات و وام‌دهی است. طرفداران و مخالفان این ایده در مورد آن ادعاهایی دارند که بدون شواهد اجرایی، تأیید یا رد آنها چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. شاید جذابیت این ایده و امکان حل برخی مشکلات مزمن و ریشه‌دار بانکی همچون مشکل اخلاقی و یا انتخاب بد که بانکداری سنتی را بسیار آزار می‌دهد، یا هزینه‌های گزاف جانبی که بانکداری سنتی به دلیل آرایه‌ی هم‌زمان سپرده‌پذیری و وام‌دهی، متحمل آن می‌شود و قابلیت آن وجود دارد که با اجرای تفکیک، دست کم برخی از آنها را برطرف شود، و موضوعاتی از این دست، اجرای این ایده را برای مدتی معین و ارزیابی آن را پس از اتمام این دوره منطقی بنمایاند.

هم اکنون، سال‌های متمادی است که سیستم بانکداری سنتی حاکم بر نظام پولی و مالی کشورهاست. می‌توان با پیش‌بینی تمهیدات لازم، مجال کافی را برای اجرای این ایده به وجود آورد و نتایج آن را ارزیابی کرد. انکارپذیر نیست که بانکداری محدود به تخصصی‌تر شدن فعالیت‌های بانکی خواهد انجامید و رشد و توسعه‌ی بازارهای پولی را موجب خواهد شد. در این سیستم، مؤسسات مالی تخصصی، به شدت و به دلیل تقاضا برای اعتبارات که دیگر بانک‌ها پاسخ نمی‌دهند، گسترش خواهند یافت و بازار بورس و سهام که پایبندی بیشتری به اصول بازار دارد، تقویت خواهند شد؛ هرچند پیش از اجرای این سیستم، باید زیرساخت‌های لازم پیش‌بینی و تدارک و پیش از همه، قوانین لازم برای هدایت و نظارت دولت تصویب شوند.

باید توجه داشت که نتیجه‌ی تفکیک ساختاری وظایف بانک، تفکیک موازی سیاست‌های پولی و اعتباری از یکدیگر و اصلاح نظارت دولت و مقررات صنعت بانکداری است. بانکداری محدود این قابلیت را دارد که نه تنها امنیت و سلامت مورد نظر مقررات بانکی را تأمین کند، بلکه ساختار نهادی را به گونه‌ای حفظ کند که نیروهای بازار و نوآوری‌های تکنولوژیکی را با هم تطبیق دهد (فیلیپس، ۱۹۹۵، ص ۲۷). شاید بتوان ادعا کرد که هر گونه اصلاحاتی که در جهت ترمیم سیستم فعلی صورت گیرد، به تغییر هرچه بیشتر فضای رقابت به نفع مؤسسات مالی غیر بانکی و به ضرر سیستم بانکی منجر خواهد شد. تداوم این وضعیت به خروج هر چه بیشتر سیستم

بانکی از بازارهای مالی و عرصه‌ی اقتصاد و به حاشیه رفتن آن منجر خواهد شد و این قطعاً، به نفع سیستم بانکی و بانک‌ها نخواهد بود. امروزه چه راهکار جایگزینی می‌تواند وجود داشته باشد که هم هدایت کارآی و جوه از وام‌دهندگان به وام‌گیرندگان را تضمین کند و هم مانع بسیاری از مشکلات در سیستم پولی و بانکی گردد؟ تفکیک وظایف بانکی می‌تواند انتخابی درست باشد.

نکته‌ی پایانی این است که می‌توان ایده‌ی بانک محدود را با تلفیق با اصول مورد نظر اسلام در مباحث مالی همچون گسترش قرض الحسنه بومی‌سازی کرد؛ کاری که در ارایه‌ی الگوی بانکداری بدون ربا، نویسنده‌ی این دفتر مد نظر داشته است. بر این اساس، وجوه حاصل از سپرده‌های جاری به تأمین مالی قرض الحسنه به نیازمندان اختصاص خواهد یافت. در این مورد حکومت اسلامی می‌تواند برای افزایش ایمنی سیستم و منافی که از گسترش قرض الحسنه در جامعه خواهد برد، بخشی از هزینه‌های بیمه‌ی سپرده‌ها را بپذیرد. تبیین کامل این الگو را به مجال دیگر وامی‌گذاریم.

منابع

- ماجدی، علی و حسن گلریز. پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری، انتشارات مرکز آموزش بانکداری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸.
- میشکین، فردیک. پول و ارز و بانکداری، ترجمه‌ی علی جهانخانی و علی پارسائیان، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
- Bossone, Biagio. Should Banks Be Narrowed?, Working Paper, 2002, No. 354.
- Craine, R. "Fairly Priced Deposit Insurance and Bank Charter Policy", *Journal of Finance*, 1995, 50.
- Ely, Bert. "The Narrow Bank: A Flawed Response to the Failings of Federal Deposit Insurance", Regulation 14, Spring 1991.
- Herring, Richard, and Robert Litan, *Financial Regulation in the Global Economy*, Brookings Institution, 1995.
- Kareken, John H. "Ensuring Financial Stability", *The Search for Financial Stability: The Past Fifty Years* (San Francisco, Federal Reserve Bank of San Francisco), 1985.
- Kobayakawa, Shuji & Hisashi Nakamura. A Theoretical Analysis of Narrow 5-Banking Proposals, University of Chicago, Monetary And Economic Studies, May 2000.
- Litan, Robert E. *What Should Banks Do?*, (Washington, D. C.: The Brookings Institution), 1987a.
- . "Deposit Insurance, Gas on S & L Fire", *Wall Street Journal*, July 1993, 29, A. 12.
- Merton, Robert C., & Zvi Bodie, "Deposit Insurance Reform: A Functional Approach", *Carnegie-Rochester Conference Series on Public Policy*, June 1993, 38.

- Miles, William. Can Narrow Banking Provide a Substitute for Depository Intermediaries?, Department of Economics Wichita State University Wichita, KS 67260-0078.
- Phillips, Ronnie J. Credit Markets and Narrow Banking, Annual meetings of the Eastern Economics Association, New York City, March 27-29, 1992, Working Paper No. 77.
- . Narrow Banking Reconsidered, The Functional Approach to Financial Reform, The Jerome Levy Economics Institute of Bard College Public Policy Brief, No. 18/1995.
- . The 'Chicago Plan' and New Deal Banking Reform, Working Paper No. 76, The Jerome Levy Economics Institute of Bard College, June 1992.
- Shy, Oz & Rune Stenbacka. A Bundling Argument for Narrow Banking, Swedish School of Economics and Bank of Finland, June 19, 2000.
- Pierce, James L. "Financial Reform in the United States and the Financial System of the Future", Financial Innovation and Monetary Policy: Asia and the West, Proceedings of the Second International Conference Held by the Bank of Japan, ed. Yooshi Suzuki and Hiroshi Yomo (Tokyo, University of Tokyo Press, 1986).
- Spong, Kenneth. Narrow Banks: An Alternative Approach to Banking Reform, Division of Bank Supervision and Structure, Federal Reserve Bank of Kansas City, Working Paper, No. 90, April 1993.
- Thomas, H. "A Proposal to Deregulate Banking", The Cato Journal, 2000, 20: 2.
- Tobin, James. "Financial Innovation and Deregulation in Perspective", *Bank of Japan Monetary and Economic Studies*, 1985, 3.